

Nuovo Espresso 3

Lezione 1	
1	
Conoscenza	شناخت
Competenza	مهارت
Abilità	توانایی
Infine	در پایان، بالاخره
Migliorare	بهبتر کردن، اصلاح کردن
Punto debole	نقطه ضعف
Autentico	اصل
Letterario	ادبی
Ad alta voce	با صدای بلند
Imparare a memoria	حفظ کردن
Il più possibile	تا حد امکان
Analogia	مشابه، شباهت
Mondo	جهان
Piantare	کاشتن
Anima	روح
2	
Già!	آره!
Almeno	حداقل
Riuscire a	توانستن
Iscriversi	ثبت نام کردن
Lezione di prova	کلاس آزمایشی
Ridare indietro	پس دادن
Riprovare	دوباره امتحان کردن
3	
Il trapassato prossimo	ماضی بعید
Sottolineato	خط کشیده شده
4	
Prendere in prestito	قرض گرفتن
Restituire	پس دادن

5	
Progresso	پیشرفت
Nemmeno	نه حتی
Oltre a	به جز
Metterci	وقت صرف کردن
Sognare	خواب دیدن
6	
Incidenti di percorso	اتفاقات ناگوار
Starnutire	عطسه کردن
Soffiare il naso	بینی را پاک کردن، فین کردن
Di fianco	کنار
Considerato	در نظر گرفته شده
Indecente	ناشایسته، زشت، شرم آور
Ungherese	مجارستانی
Imbarazzato	حیران، گیج شده
Abbracciarsi	یکدیگر را بغل کردن
Incidente	اتفاق
7	
Capitare	اتفاق افتادن
Aneddoto	حکایت مختصر، داستان مختصر
8	
Convinto	مطمئن، متقاعد
Verbale	فعلی
Rispettare	رعایت کردن، احترام گذاشتن
Le regole	قواعد
Categorico	قاطع، مطلق
Per caso	احیاناً
La grammatica	کتاب دستور زبان
Scaffale	قفسه
In basso	پایین
Prestare	قرض دادن
Regionalismo	اصطلاح محلی
Ormai	اکنون، حالا، اخیراً

Accetato	پذیرفته شده
Suona male	بد به نظر میرسد، غلط به نظر می رسد
Ognuno	هر کس
Rigido	سخت گیر
Direttore	مدیر، رئیس
Orribile	وحشتناک، ترسناک، زننده
Mi sa che	فکر کنم که
Prima o poi	دیر یا زود
Complemento	متمم
Introdotta	همراهی شده، وارد شده
Influsso	تأثیر، نفوذ
Dialetto	زبان محلی، لهجه
Centromeridionale	قسمت مرکزی و جنوبی ایتالیا
Tradizionalmente	معمولاً
Scorretto	غلط
Funzione	نقش
Logico	منطقی
Costrutto	ساختار، ترکیب
Registro	سبک
Colloquiale	محاوره ای
Ripetizione	تکرار
Mettere in evidenza	مشخص کردن، واضح کردن
Contesto	موقعیت، بافت
Necessità	احتیاج، لزوم
Evidenziare	اشاره کردن، مشخص کردن
9	
Dare in prestito	قرض دادن
Il vocabolario	لغت نامه
10	
Argomentare	نتیجه گرفتن
Disaccordo	مخالفت

Inserire	وارد کردن
Parere	عقیده، نظر
Diversamente	به طور دیگر
Non direi proprio!	مطلقاً نه!
11	
Cosa ne pensi?	نظرت چیه؟
Fenomeno	پدیده، حادثه
12	
Riunione	جلسه
Teoria	تئوری
Pratica	تمرین
Creatività	خلاقیت
Aggiungere	اضافه کردن
Premessa	مقدمه
Irresponsabile	بی مسئولیت، بی ملاحظه
Qualsiasi	هر
Introdurre	وارد کردن
Quantità	مقدار، میزان
Suggerire	پیشنهاد کردن
Termine	واژه، لغت
Correntemente	معمولاً
Corrispondente	مترادف
Venire in mente	به ذهن آمدن
Definitivo	قطعی
Proporre	پیشنهاد کردن
Integrazione	تکمیل
Cambiamento	تغییر
Elencato	لیست شده، فهرست شده
Accorgersi	مشاهده کردن، متوجه شدن
Antiquato	قدیمی
Stare in piedi	منطقی بودن، پایه و اساس داشتن

Di chi si tratta	راجع به... می باشد
Gustoso	خوشمزه
Autrice	مؤلف، نویسنده (مؤنث)
Adeguate	مناسب
Equivalente	هم معنی، معادل
13	
Eschimese	اسکیمویی
Hacienda	مزرعه بزرگ
Kitsch	بی سلیقه، بی سلیقهگی
Mobbing	قلمری کردن
Bouquet	دسته گل
Globe trotter	جهان گرد
Karaoke	کارائوکه
Hinterland	پس کرانه
Kayak	کایاک، نوعی قایق
Karma	کارما
Harem	حرمسرا
15	
Rubriche	عناوین
Visibile	نمایان، پیدا
Trasmesso	پخش شده
Streaming	اجرای فایل در همان لحظه دریافت
Modalità	کیفیت
On demand	به درخواست
Utente	کاربر
Caricare	آپلود کردن
Caffè culturale	
Extraeuropeo	غیر اروپایی
Esclusivamente	منحصراً
Ristretto	محدود
Residente	مقیم، ساکن

Italfonia	ایتالیایی زبان
Comprendere	دریافتن، فهمیدن
Materno	مادری
Ufficiale	رسمی
Istriano	مربوط به منطقه استریا
Popolazione	جمعیت
Statuto	ساختمان، اساس نامه
Ampio	وسیع
Comunità	جامعه
Emigrato	مهاجر
Riallacciarsi	دوباره به دست آوردن
Stimare	تخمین زدن
Lezione 2	
2	
Valido	صحیح، قابل اجرا، معتبر
Capoluogo	مرکز استان
Sede	مقر، مرکز، جا
Industria	صنعت
Automobilistico	ماشین سازی
Normanno	اهل نورماندی
Ospitare	میزبان بودن، پذیرایی کردن
Finanziario	مالی
Enorme	عظیم، زیاد
3	
Nascosto	مخفی، پنهان
Particolarmente	به طور مخصوص، خصوصاً
4	
Itinerario	مسیر
Smog	هوای آلوده به دود و بخار
Difficoltà	سختی، دشواری
Attraversare	رد شدن

Asilo	مهد کودک
Impianti sportivi	مجتمع ورزشی
Busta	کیسه، پاکت
Portone	در اصلی
Giro	مسیر
Mi tocca	مجبورم
Cittadino	شهروند
Fare la gimcana	دور شمسى قمرى زدن
Anziché	به جای
Asilo nido	مهد کودک
In effetti	در واقع
Parecchio	خیلی، زیاد
5	
Realizzarsi	به وقوع پیوستن
Realizzato	به وقوع پیوسته، محقق شده
6	
Ingrandire	توسعه دادن، بزرگ تر کردن
Mettere a disposizione	در اختیار قرار دادن
Pista ciclabile	مسیر دوچرخه سواری در خیابان
Investire	سرمایه گذاری کردن
Abitazione	مسکن، خانه
Introdurre	گسترش دادن، شروع کردن
Targa	پلاک
Targhe alterne	پلاک زوج و فرد
7	
Non vedere l'ora di	مشتاقانه منتظر چیزی بودن
Metropoli	شهر اصلی، شهر بزرگ
Scusa	بهانه
Vetro	شیشه
Tenerci a	توجه کردن به
Spuntare	مانع شدن، مقابله کردن

Sfilata	فشن شو
Respirare	تنفس کردن، نفس کشیدن
Passerella	کت واک، دفیله
Stilista	طراح مد
Insomma	خلاصه اینکه
Duro	سخت، دشوار
Abituarsi	عادت کردن
Tornare indietro	به عقب برگشتن
Inseguire	دنبال کردن، تعقیب کردن
Lucertola	مارمولک
Volpe	روباه
Illuminare	روشن کردن
Buttare	پرت کردن، انداختن
Urlare	فریاد زدن، جیغ کشیدن
Piantare	فراموش کردن، رها کردن
i sogni	رویاهای
Mi ha guardato dritto negli occhi	مستقیم به چشم هایم نگاه کرد
Istante	لحظه
Stesso	یکسان، یکنواخت
10	
Vietato	ممنوع
Perché non si fa gli affari Suoi?	چرا سرتان به کار خودتان نیست؟
Segnale	تابلو، علامت
Divieto	ممنوع، ممنوعیت
Riservato	رزرو شده
Essere in vena di	حوصله کاری یا چیزی را داشتن
Discutere	بحث کردن
Lasciare	اجازه دادن، گذاشتن
Stabile	ساختمان
Avvocato	وکیل
Cortometraggio	فیلم کوتاه

Tema	موضوع
11	
Senso	معنی، مفهوم
Portare a spasso il cane	سگ را برای قدم زدن بردن
Guinzaglio	قلاده
Cuffia	هدفون، هد ست
Suonare il clacson	بوق زدن
12	
Tranquillamente	با آرامش
Improvvisamente	ناگهان
Grosso	بزرگ، گنده
Insistentemente	مصرانه، دائماً
Faticoso	سخت، خسته کننده
13	
Paragrafo	پاراگراف
Ulteriore	مجدد، دوباره
Intuizione	کشف
Notaio	محضردار
Esso/a/i/e	او، آن، آنها
Miracolo	معجزه
Incantato	افسون شده
Magico	جادویی
Cortile	حیات
Circondato	احاطه شده
Ispirazione	الهام
Contrastare	ضدیت داشتن
Vintage	قدیمی، کهنه
Collocare	قرار دادن، قرار گرفتن
Imperdibile	از دست ندادنی
Preceduto	مقدم بر، پیشی گرفته از
Vincente	پیروز، برنده

14	
Sindaco	شهردار
15	
Sensuale	فریبنده، جذاب
Montuoso	کوهستانی
Affascinante	جذاب
Vivibile	قابل زندگی
Pianeggiante	مسطح، زمین صاف
Caffè culturale	
Emblematico	سمبلیک، نمادین
Immaginario	خیالی، تصویری
Collettivo	گروه
Associato	متصل به، مربوط به
Specifico	خاص، ویژه
Usanza	رسم، سنت
Celebre	مشهور
Eterno	جاودان
Stato	دولت
Parlamento	پارلمان، مجلس
Lombardo	وابسته به لمباردی، اهل لمباردی
finanza	امور مالی
Borsa	بورس
Scambiare	مبادله کردن ارز
Titolo	سهام
Azione	سهم
Rappresentare	نشان دادن، نماینده چیزی بودن
Onorare	احترام گذاشتن به، مفتخر ساختن
Napoletano	ناپلی
Rinascimento	رنسانس
Genio	نابغه
Assoluto	مطلق

Universale	جهانی
Costruttore	سازنده
Polifunzionale	چند منظوره
Lezione 3	
1	
Marchio	مارک
Fetta	برش، قاچ
Tram	تراموا
2	
Inconfondibile	منحصر به فرد، تک
Ideato	طراحی شده
Ruota	چرخ
Accessori	لوازم جانبی
Goloso	شکمو
Bontà	خوبی
Circolare	گشت زدن، حرکت کردن
Ricchezza	ثروت
Oro	طلا
Gioielli	جواهرات
Fascino	جذابیت
Irresistibile	مقاومت ناپذیر
Campo	زمینه
Giocattolo	اسباب بازی
Caffettiera	قهوه جوش
Ferro	آهن
Argento	نقره
Spostarsi	جا به جا شدن
Passeggero	مسافر
Particolare	خاص
Tessuto	پارچه

Pregiato	ارزشمند، گران بها
Binario	ریل راه آهن
Nocciola	فندق
3	
Quadrato	مربع شکل
Rettangolare	مستطیل شکل
Legno	چوب
Di legno	چوبی
4	
Asia	قاره آسیا
Azienda	شرکت
Assumere	استخدام کردن
Assunto	استخدام شده
Insomma	خلاصه
Rifiutare	قبول نکردن، رد کردن
Soddisfatto	راضی
Chissà	خدا میدونه، کی میدونه
Peggiorare	بدتر شدن
Che discorsi!	چه حرفایی!
5	
Colonna	ردیف، ستون
Supposizione	حدس، گمان
Stato d'animo	حالت روحی
6	
Formulare	گفتن
Stranamente	به طرز عجیبی
Avvertire	اطلاع دادن، با خبر کردن
Partire	حرکت کردن، راه افتادن
Aula	کلاس
8	
Nonostante	با وجود، علی رغم

Furbo	حيله گر، زرنګ
Mossa	حرکت
Geniale	نابغه، باهوش
Crisi	بحران
Gestaccio	حرکت زشت
Talvolta	گاهی اوقات، گاه گاهی
Estetica	زیبایی شناسی
Etica	اخلاق، اصول اخلاقی
Paesetto	شهر کوچک
Sperduto	دوردست
Sembrare	به نظر رسیدن
Pianura	دشت
Poetico	شاعرانه
Profumato	خوشبو، معطر
Fiume	رود
Scolpire	مجسمه ساختن
Recitare	نقل کردن، حکایت کردن
Arredare	آراستن، تزئین کردن
Potente	توانا، قوی، نیرومند
Purché	تا، تا اینکه
Spizio	پناه، مسکن
Pianeta	سیاره
Negare	انکار کردن، منکر شدن
La giacca da donna	کت زنانه
Criticare	انتقاد کردن
Copiare	تقلید کردن
Laboratorio	آزمایشگاه، کارگاه
Eccezione	استثناء
Ubriaco	مست
9	
Elaborare	تهیه کردن

10	
Fattaccio	حادثه، جرم و جنایت
11	
Figuraccia	آبرو ریزی، حرکت بد
Linguaccia	زبان درازی
Nottataccia	شب بد
Parolaccia	فحش
Fare un colpaccio	به هدف زدن، کار سختی را انجام دادن و به نتیجه مثبت رسیدن
Offensivo	اهانت آمیز، توهین آمیز
Impressione	اثر
Volgare	بی ادبانه، زشت، عامیانه
12	
Raffigurare	نشان دادن
Efficace	مؤثر، کاری
13	
Reclamo	اعتراض، شکایت
Proprietario/a	مالک، صاحب
Addetto/a	مسئول
Reparto	بخش
Confondere	اشتباه کردن
Protestare	شکایت کردن، اعتراض کردن
Giustificarsi	خود را توجیه کردن
Reclamare	اعتراض کردن
Giurare	قسم خوردن
Spiacente	متأسف
Assicurare	اطمینان دادن
14	
Colpa	تقصیر، گناه
Merce	کالا، جنس

Rovinato	خراب شده
Danneggiato	خسارت دیده، آسیب دیده
Caffè culturale	
Associare	متصل کردن
Cosiddetto	به اصطلاح، به قول معروف
Tonalità	ترکیب رنگی
Acceso	روشن
Spregiudicato	بی تعصب، بی طرف، منصفانه
Glamour	جادو، طلسم
Ricercato	پر طرفدار، پر خواهان
Sapiente	عاقلا نه
Retrò	قدیمی
Innovazione	نوآوری، ابداع
Minimalismo	مینیمالیستی
Cromatico	رنگی، مربوط به رنگ
Stravagante	عجیب و غریب
Dissacrante	مباحثه گر، هتاک، بی اعتنا
Lezione 4	
1	
Comunicazione	ارتباط
Telefono fisso	تلفن ثابت
2	
Media	رسانه، وسیله
Richiedere	تقاضا کردن
Richiesto	تقاضا شده، درخواست شده
Gioia	خوشحالی، شادی
Caratterizzare	مشخص کردن، توصیف کردن
3	
Frequente	معمول، همیشگی
Contenuto	محتوی
Articolo	مقاله

Promuovere	ترویج یافتن، ترقی دادن
Promosso	ترویج یافته، ترقی یافته
Ritenere	عقیده داشتن
Linguaggio	زبان
Risorsa	منبع
Esplorare	کشف کردن
Impuro	ناخالص، نادرست
Proporre	پیشنهاد کردن، مطرح کردن
Affermazione	اظهار، بیان، گفتار
Istituzione	نهاد، موسسه
A tutti gli effetti	عملاً
Strumento	وسیله، اسباب
Bocciare	رد کردن، مردود کردن
Alunno	دانش آموز، شاگرد
Conquistare	به دست آوردن
Pericolo	خطر
Evoluzione	توسعه، تکامل
Velocità	سرعت
Povero	ناقص
Rallentare	کند کردن
Apprendimento	یادگیری
Lento	کند، آهسته
Riflessivo	تفکری، محتاط
Impegnativo	سخت، سنگین
Fare a meno di	چشم پوشیدن از، صرف نظر کردن از
Citazione	نقل، سخن
Rispetto a	نسبت به
Obbligare	مجبور کردن، ملزم کردن، مقید کردن
Estremo	خیلی زیاد، بی نهایت
Pressoché	تقریباً
Inesistente	ناموجود

Spontaneo	خود به خود، بی اختیار
Diffusione	گسترش
Non sorprende che	تعجبی ندارد که
Accresciuto	رشد یافته، افزایش یافته
Conseguenza	اثر، نتیجه، عواقب
4	
Localizzazione	موقعیت مکانی، تعیین محل
5	
Riflettere	نشان دادن
6	
Il congiuntivo imperfetto	زمان التزامی استمراری
Coniugazione	صرف فعل
7	
Buonissimo	خیلی خوشمزه
Meno male!	خدارو شکر!
8	
Dialettale	لهجه ای
Appoggiare	حمایت کردن، پشتیبانی کردن
Riforma	اصلاح، تغییر
Prendersela	عصبانی شدن
Suscettibile	حساس، زودرنج، کسی که زود بهش برمی خورد
Imbruttire	اغراق کردن، شور کردن
Aggressivo	تهاجمی
Esagerare	اغراق کردن
Romano	رومی
Boh	چمیدونم
Se lo dici tu...	هر چی تو بگی...
11	
Il discorso indiretto	نقل قول غیر مستقیم
Telefonata	تماس تلفنی

PS	پی نوشت
Biglietto	یادداشت
Il discorso diretto	نقل قول مستقیم
12	
Modificare	تغییر دادن، عوض کردن
13	
Destinatario	گیرنده
Originario	اصلی
14	
Congedarsi	خدا حافظی کردن
Caffè culturale	
Grafico	نمودار، گراف
Territorio	زمین، کشور
Rumeno	رومانیایی
Albanese	آلبانیایی
Marocchino	مراکشی
Ucraino	اکراینی
Cinese	چینی
Includere	شامل شدن
Principalmente	اساساً، بطور کلی
Filippino	فیلیپینی
Moldavo	مولداویایی
Indiano	هندی
Polacco	لهستانی
Tunisino	تونسی
Madrelingua	زبان مادری
Più o meno	کم و بیش
Complessivo	کل، تمام، دربردارنده
Penisola	شبه جزیره
Ampio	وسیع، گسترده
Residente	مقیم، ساکن

Provenire	آمدن
Distribuire	پخش شدن
Disomogeneo	ناهمگن
Concentrarsi	متمرکز شدن، جمع شدن
Lezione 5	
1	
Avventura	ماجراجویی
Saggio	مقاله
Carta	کاغذ، ورق
A caso	تصادفی، اتفاقی
Recensione	مقاله انتقادی
2	
Avvenire	اتفاق افتادن
Omicidio	قتل، جنایت
Rifiuto	زباله، آشغال
Droga	مواد مخدر
Convinto	متقاعد، مجاب
Indagare	تحقیق کردن، بازپرسی کردن
A modo suo	به روش خودش
Fallito	ناموفق، ورشکسته
Analista	روانکاو
Abile	زبردست، ماهر
Travestimento	تغییر قیافه، لباس مبدل
Uccidere	کشتن
Poliziotto/a	مامور پلیس
Cieco	نابینا، کور
Provider	شرکت خدماتی
Cantiere	سایت
Colpire	زدن، خوردن
Appalti pubblici	قراردادهای عمومی

Fango	گل
Ostacoli	موانع
Poliziesco	پلیسی
Briscola	بازی حکم
Intitolare	نامیدن، اسم گذاردن
Vero e proprio	واقعی
Che io sappia	تا جایی که من بدانم
Genere	سبک، نوع
Spiritoso	شوخ، بذله گو
Ironico	طعنه آمیز
Deludere	نا امید کردن، مأیوس کردن
5	
Globale	جهانی، عمومی
Grazie a	به لطف
Riconoscimento	شناسایی، تشخیص
Abbandonato	رها شده، متروک
Casuale	اتفاقی، تصادفی
Accuratamente	به دقت
Nota	یادداشت
Copertina	جلد کتاب
Perduto	گم شده
Perdere	گم کردن
Superare	به پایان رسیدن، برطرف کردن
Sociologico	مربوط به جامعه شناسی
Banale	عادی، متعارف، خیلی معمولی
Lettore	خواننده
Assegnare	اختصاص دادن
Identificazione	تشخیص، تعیین هویت
Attaccato	چسبیده
Funzionamento	عملکرد
Temporaneo	موقتی

Mettere in circolo	به گردش درآوردن
Tenere sott'occhio	زیر نظر گرفتن
Finora	تا به حال، تا این لحظه
Catena	زنجیر، بند
Disperso	گم، مفقود
Ritrovamento	کشف
6	
Il passivo	مجهول
Ausiliare	فعل کمکی
Composto	مرکب
7	
Tratto da	برگرفته از
Maternità	مادری
Giuria	هیئت منصفه، ژوری
Tazzina	فنجان کوچک
Sciopero	اعتصاب
Inaugurare	افتتاح کردن
8	
Stimolare	برانگیختن، تحریک کردن
9	
Traversata	عبور، گذر
Ora di punta	ساعت شلوغی، اوج ترافیک
Flusso	جریان
Ingorgo	راهبندان ترافیک
Tale	چنان
Strisce pedonali	خط کشی عابر پیاده
Avanzare	جلو رفتن
Respinto	پس زده، عقب زده
Essere magro come un'acciuga	لاغر مردنی بودن
Sdraiarsi	دراز کشیدن
Fare finta di	وانمود کردن

Fallire	شکست خوردن
Frenare	ترمز کردن، متوقف کردن
Botta	ضربه
Rispedire	فرستادن
Rimbalzare	پريدن، بالا جستن
Acciaccato	با بدنی کوفته (از درد)
10	
Il passato remoto	گذشته دور
Cioè	يعنی
11	
Esporre	نشان دادن، ارائه دادن
Versione	روایت، شرح
Drammatizzare	به شکل درام درآوردن
13	
Marinaio	ملوان
Cassa	صندوق
14	
Consultare	مشورت کردن
Caffè culturale	
Capolavoro	شاهکار
Narrativo	روایی، داستانی
Coscienza	وجدان
Costante	همیشگی، ثابت
Inadeguatezza	عدم کفایت، ناشایستی
Interpretare	تعبیر کردن
Sintomo	علامت، نشانه
Bensi	اما، بلکه
Psicoanalistico	روانکاوانه
Onda	موج
Maturazione	بلوغ، رسیدگی
Gli indifferenti	بی تفاوت ها

Trascinare	کشیدن، با خود بردن
Intrigo	دسیسه، نقشه
Trasgressivo	برانگیزنده، سرکش
Nichilista	پوچ گرا، نهیلیست
Aderente	پیرو، تابع
Devastato	ویران شده
Umile	متواضع، پست، ساده
Ignorato	نادیده گرفته شده
Maltrattato	مورد بدرفتاری قرار گرفته
Frate	راهب
Francescano	پیرو سن فرانچسکو
Racchiuso	جا گرفته، پنهان شده
Monastero	دیر، صومعه
Successo	موفقیت
Lezione 6	
1	
Concetto	مفهوم، تصور کلی
Associare	متصل کردن، به هم پیوستن
Solidarietà	همبستگی
Competitività	رقابت جویی
Disponibilità	در دسترس بودن
Severità	سخت گیری
Calore	گرما، حرارت
Nido	لانه، آشیانه
Conflitto	مشاجره، اختلاف شدید عقیده و سلیقه
2	
Passaggio	قطعه، عبارت
Pazienza	صبر
Figura	شخص، نقش
Dibattito	مناظره، مباحثه
Convivente	کسی که زندگی مشترک بدون ازدواج دارد

Materia	موضوع، قضیه
Diritti civili	حقوق مدنی
Indietro	عقب
Regolazione	اصلاح، سامان دهی، آئین نامه
Ignorare	چشم پوشیدن از، نشناختن
Tenere	اجرا کردن
Rivalutazione	ارزیابی، سنجش
Nucleo	هسته، مرکز
Organizzatore	مؤسس، سازمان دهنده
Partecipante	شرکت کننده
Calo	کاهش، افت، سقوط
Nascita	تولد
Registrare	ثبت کردن
Tarda età	سن بالا
Infertilità	ناباروری، نازایی
Colpire	آسیب زدن، اثر گذاشتن
Individuo	فرد، شخص
Infatti!	دقیقاً!
Ricongiungimento	الحاق، به هم پیوستگی
Assurdo	بی معنی، مزخرف
Ottenere	به دست آوردن، اخذ کردن، فراهم کردن
Diritto	حق
Nonostante	با وجود اینکه، گرچه
4	
Interlocutore	مخاطب
Argomentare	استدلال کردن، دلیل آوردن، توضیح دادن
Evidenziare	روشن کردن، معلوم کردن
5	
Natalità	میزان تولد
Coppia di fatto	زوجی که بدون ازدواج با هم زندگی میکنند
Individualismo	استقلال فردی

Migrazione	مهاجرت
Litigare	دعوا کردن
Bimbo	پسر بچه
Vergogna	خجالت، شرم
Tasso di crescita	نرخ رشد
Sceso	پایین آمده، نزول کرده
Scendere	پایین آمدن
Abbassare	پایین آمدن، کم شدن
Contraccezione	جلوگیری از حاملگی
Ammettere	پذیرفتن، قبول کردن
Attribuire	نسبت دادن
Confronto	مقایسه
Ultrasessantenne	بالای شصت سال
Triplicare	سه برابر کردن
6	
Presentatore	مجری
9	
Cerchio	دایره
Progressivo	تصاعدی
Pensiero	فکر، اندیشه
Pertinente	متناسب، وابسته
10	
Faccende domestiche	کارهای خانه
Riempire	پر کردن
Lavastoviglie	ماشین ظرفشویی
Apparecchiare la tavola	چیدن میز
Caricare	پر کردن
Stirare	اتو زدن
Passare l'aspirapolvere	جاروبرقی کشیدن
Spazzare	جارو زدن
Spolverare	گردگیری کردن

Pulire	تمیز کردن
I vetri	شیشه ها
Portare fuori	بیرون بردن
L'immondizia	زباله
11	
Organizzazione	سازمان دهی
Contributo	کمک
Caffè culturale	
Comportare	حاصل کردن، باعث شدن
Esitazione	دودلی، تردید
Adulto	آدم بالغ
Confidenza	اطمینان، اعتماد
Estraneo	خارجی
Superiore	بالا، برتر، عالی
Gerarchico	سلسله مراتبی
Contesto	موقعیت، زمینه
Comando	دستور، فرمان
Lezione 7	
2	
Legato a	مربوط به
Presepio	مغاره، تابلوی ولادت مسیح
Mazzetto	دسته گل
Mimosa	میموسا، گل ابریشم
Panettone	نوعی شیرینی
Carbone di zucchero	نوعی شیرینی
Giocare a tombola	دبل نا بازی کردن
Brindare	به سلامتی کسی نوشیدن
Colomba	کبوتر
Addobbare	تزیین کردن
Cotechino	نوعی سوسیس ایتالیایی

Lenticchie	عدس
Mascherarsi	ماسک زدن، نقاب زدن
4	
Per carità!	تو رو خدا! محض رضای خدا!
Dai!	بی خیال!
Mica	اصلاً
Sbrigarsi	عجله کردن
Prendere in giro	کسی را دست انداختن، سر به سر گذاشتن
Dramma	درام، فاجعه، مصیبت
Saltare	حذف کردن، پریدن
Adorare	پرستیدن، ستودن
Che incubo!	چه کابوسی!
Mostro	هیولا
6	
Ennesimo	دفعات بی شمار، ان بار
Rimandare	به تعویق انداختن، عقب انداختن
Ristrutturazione	بازسازی
8	
Scartare	باز کردن (کاغذ کادو)
Impacchettare	بسته بندی کردن
Cucito a mano	دوخته شده با دست
Sprofondare	سرازیر شدن، از خجالت آب شدن
Una cosa del genere	همچین چیزی
Padrone	صاحب
Ci ha creduto?	باورش کرد؟
Decisamente	قطعاً
Neutro	خنثی
11	
Deserto	متروک، دوردست
Invisibile	نامرئی
12	

Festaiolo	آدم خوش گذران
Trasgressivo	غیر معمول
Caffè culturale	
Vaniglia	وانیل
Pistacchio	پسته
Stracciatella	اسم نوعی بستنی (با تکه های شکلات)
Lezione 8	
2	
Testimonianza	شهادت، گواهی
Astronomo	ستاره شناس
Telescopio	تلسکوپ
Eresia	بدعت، بدعت گذاری
Abiurare	چشم پوشی کردن، صرف نظر کردن
Rinunciare	دست کشیدن، صرف نظر کردن
Scienziato	دانشمند
Illegittimo	غیر قانونی، نامشروع
Veleno	زهر، سم
Corteggiare	چاپلوسی کردن، ناز کشیدن
Bisognoso	محتاج، نیازمند، فقیر
Sostanza	ماده
Sceneggiatore	نمایش نامه نویس، فیلم نامه نویس
Insuccesso	عدم موفقیت، ناکامی
Carriera	کارنامه شغلی
4	
Genio	نابغه
Faccia	صورت
Conservato	نگهداری شده
Spaventare	ترساندن
Finto	دروغی، غیر واقعی
Ambientalista	طرفدار حفظ محیط زیست
Gabbia	قفس

Liberare	آزاد کردن
Giovinezza	جوانی
Codice	کد
Censura	سانسور
Intero	تمام
Mostruoso	هیولوار، مهیب
Fisionomia	قیافه شناسی
Malfamato	بدنام
5	
Ordinario	معمولی، عادی، پیش پا افتاده
Prigioniero	زندانی، اسیر
6	
Modale	کیفیتی
Temporale	زمانی
7	
Curiosità	کنجکاوی
Continente	قاره
Asiatico	آسیایی
Guidare	هدایت کردن، رهبری کردن
Spedizione	لشکرکشی
Dado	تاس
Tratto	پرتاب شده
Confine	مرز
Sacrificio	قربانی
8	
Acquario	آکواریوم
Spettacolare	دیدنی
Catalano	کاتالان
Certezza	اطمینان
9	
Tris	بازی ایکس او

Orizzontale	افقی
Verticale	عمودی
Diagonale	خط مورب
Calcolare	حساب کردن
Incalcolabile	غیر قابل شمارش، نامعلوم
Prevedere	پیش بینی کردن
10	
Derivare da	مشتق شدن از، ناشی شدن از
Bifronte	دورو
Rivolto	برگشته، چرخیده
Navigatore	کشتی ران
Mercante	بازرگان، تاجر
Conquista	فتح
11	
Gladiatore	گلادیاتور
Schiavo	برده
Sfida	به مبارزه طلبیدن، چالش
Impero	امپراتوری
Antichità	عهد قدیم
Imperatore	امپراتور
Incendio	آتش سوزی
a.c	قبل از میلاد مسیح
Colpire	حمله کردن
Distruggere	ویران کردن، خراب کردن
Leggenda	افسانه
Incendiare	آتش زدن، سوزاندن
Pazzia	دیوانگی
Accusa	اتهام
Ingiusto	ناحق، ناروا
Regno	قلمرو پادشاهی
Estensione	وسعت، گسترش

Battaglia	نبرد، جنگ
Militare	نظامی
Senatore	سناتور
Congiura	توطئه، دسیسه
Coltellata	ضربه چاقو
Senato	سنا، مجلس سنا
Attaccare	حمله کردن
Corrotto	فاسد، خراب
Violento	تندخو، زورگو
Moralità	اخلاقیات، اصول اخلاقی
Saggezza	خردمندی، حکمت
Retorica	علم بیان
12	
d.c	بعد میلاد مسیح
Dimensioni	ابعاد
Ettaro	هکتار
Caffè culturale	
Ritratto	توصیف، شرح
Svolta	تغییر
Definitivo	قطعی، نهایی
Interprete	هنرپیشه
Apprezzato	ارزشمند
Pellicola	فیلم
Recitato	بازی شده، نقش بازی کرده
Esploratore	کاشف
La via della seta	جاده ابریشم
Ambasciatore	سفیر
Ispirare	الهام گرفتن
Fascismo	فاشیسم
Assumere	به عهده گرفتن
Dittatore	دیکتاتور

Partigiano	پارتیزان، چریک
Sconfitta	شکست
Italotedesco	ایتالیایی آلمانی
Pedagoga	آموزگار دبستان
Autodisciplina	انضباط فردی
Adottato	اختیار شده، قبول شده
Scultura	مجسمه
Considerato	به حساب آمده، در نظر گرفته
Sperimentale	آزمایشی
Accusato	متهم
Costretto	مجبور
Rinnegare	رد کردن
Esiliare	تبعید کردن
Lezione 9	
Percorso	مسیر
Stupire	تعجب کردن
Marchigiano	اهل مارکه
Ducale	دوکی
Sorprendere	غافلگیر کردن، متعجب کردن
Affascinare	دلربایی کردن، افسون کردن
Sentiero	جاده، مسیر، راه باریک
Ascolano	اهل اسکولی
Ripieno	پر شده
4	
Termine	کلمه، لغت
Lavagna	تخته
Avversario	مخالف، مقابل
5	
Riportare	بردن
7	
Scavato	حفر شده، کنده شده

Roccia	صخره
Culla	گهواره، مهد
Processione	نوعی مراسم مذهبی (با دسته رفتن)
Carro	گاری، عرابه
Grano	گندم
Pietra	سنگ
8	
Particolarmente	مخصوصاً
Personalità	ویژگی
Azienda	شرکت، کارخانه، مزرعه
Mi pare di sì	به نظرم آره
10	
Proletario	کارگر، عضو طبقه کارگر، تهی دست
Salto	جهش، خیز
Umanità	بشریت
Eliminare	حذف کردن، از بین بردن
11	
Fondo	بنیاد
Iniziativa	ابتکار، فعالیت
Turismo di massa	گردشگری انبوه یا توده ای
Segnalazione	راهنمایی، هدایت
Segnalare	اشاره کردن، نشان دادن
Incontaminato	خالص، پاک
Migratore	مهاجر
Resort	استراحتگاه
Intervenire	دخالت کردن، مداخله کردن
Rovinato	خراب شده، ویران شده
Irremediabilmente	به طور غیر قابل جبران
Stretto	تنگه
Paesaggistico	منظره ای، دارای چشم انداز
Flora	همه گیاهان یک سرزمین

Fauna	مجموعه گونه های جانوری
Meritare	سزاوار بودن، شایسته بودن
Salvato	حفظ شده، نجات داده شده
Prato	چمن، علفزار
Delimitato	محدود شده
Motivato	برانگیزنده
Rispettoso	با ادب، محترم
Stambecco	بز کوهی
Torrente	سیل، سیلاب
Immerso	غوطه ور، غرق
Verde	فضای سبز
Quiete	آرامش، سکون
Frenesia	جنون، هیجان
Ferroviano	مربوط به راه آهن
Scomparire	از بین رفتن، ناپدید شدن
Riserva	ذخیره
Ricco	گران بها، وسیع
Espansione	توسعه
12	
Raccolta	جمع آوری، مجموعه
Caffè culturale	
Stereotipo	کلیشه، رفتار قالبی داشتن
Falso	غلط انداز، آدم متقلب
Stakanovisto	پیرو استاخانوف
Altoatesino	اهل آلتو ادیجه
Comunista	کمونیست
Avaro	خسیس
Cinico	بدبین، بدگمان
Inaffidabile	غیر قابل اعتماد
Ospitale	مهمان نواز
Sospettoso	بدگمان، شکاک

Lezione 10	
1	
Ortografia	املاء، نگارش
Punteggiatura	نشانه های سجاوندی، نشانه های نقطه گذاری
2	
Staccato	جدا، سوا
Distinzione	تشخیص
Bruttura	زشتی
Standardizzato	استاندارد شده
Dilagare	منتشر شدن، گسترش یافتن
Incinta	حامله، باردار
8	
Il congiuntivo trapassato	التزامی بعید
Attaccare	حمله کردن، هجوم آوردن
Abbassare	پایین آوردن
Libido	میل جنسی
Scemo	احمق، ابله
9	
Ipotesi	فرض، حدس
Ipotetico	فرضی، حدسی
11	
Purista	کسی که در استعمال کلمات صحیح وسواس دارد
Telegiornale	اخبار تلویزیونی
Adattarsi a	خود را وفق دادن با
Equilibrato	متعادل، معقول
Mutare	عوض شدن، تغییر کردن
Lottare	جنگیدن
Espressivo	پرمعنی، رساننده، مهم
12	

Suicidarsi	خودکشی کردن
13	
Corrompere	تحریف شدن، فاسد شدن
Minacciato	تهدید شده
Linguista	زبان شناس
Estinzione	خاموشی، انقراض
Telematica	خدمات کامپیوتری از راه ارتباط تلویزیونی
Disimparare	فراموش کردن چیزی که یاد گرفته میشود
Trascurare	غفلت کردن، اهمیت ندادن
Capitare	اتفاق افتادن
Tastierina	صفحه کلید (کوچک)
Confessare	اعتراف کردن، اقرار کردن
Formazione	فرم، شکل
Sconforto	دلسردی
Assolto	بخشیده شده
Appellare	صدا زدن، نامیدن
Espressivamente	به طور رسا
Emotività	احساسات، هیجانات
Frustrazione	ناکامی، دلسردی، شکست
Rabbia	خشم، عصبانیت
Dominare	تسلط داشتن، مسلط بودن
Sublime	عالی، بلند مرتبه
17	
Intervento	سخن، نطق، سخنرانی
Complesso	پیچیدگی
Pigliare	گرفتن، اخذ کردن
18	
Sparire	ناپدید شدن
Tranne	به جز، به غیر از
Caffè culturale	
Tic	عقیده ثابت

Maltrattare	بدرفتاری کردن
-------------	---------------